



مقدمه

هر نظامی بر پایه‌ها و اصولی بنا نهاده شده است که تمام رفتارها، روبناها و دیگر ساختار نظام را بر اساس این مبانی سازماندهی می‌نماید. در واقع میزان فهم انسان در مورد حقیقت نظام هستی و انسان، موجب ظهور مکتب‌های زیادی در جامعه بشری شده است و هر مکتبی که از ماهیت جهان و انسان معرفت بیشتری داشته باشد؛ در جهت تشکیل جامعه‌ای سالم و ایدآل، حرکت مطلوبی داشته است.

بی‌شک دین مبین اسلام بر اساس آموزه‌های وحیانی و آیات قرآن کریم، بلندترین گام‌ها را در شناخت بشر نسبت به حقایق هستی و ماهیت انسان برداشته است. از این‌روی؛ فهم این آموزه‌ها می‌تواند در ترسیم نظام سیاسی قرآن نقش اساسی داشته باشد؛ به عبارت دیگر مکتب اسلام با آگاهی دقیق و کامل از هستی و انسان می‌تواند زندگی این جهانی و آن جهانی بشر را مدیریت و سامان بخشد.

در مورد پیشینه تحقیق می‌توان بیان کرد که اکثر پژوهش‌هایی که در این باره انجام گرفته است یا مربوط به مبانی ساختار نظام و دولت پیامبر است و یا درباره ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران است و وجه تمایز این تحقیق با آنها این است که با نگاه درون دینی در صدد استنباط مبانی الگوی ساختار نظام سیاسی قرآن است. قبل از واکاوی مبانی ساختار نظام سیاسی قرآن، لازم است مفهوم مبانی و ساختار در این تحقیق به روشنی بیان شود.

مفهوم شناسی

بی‌تردید فهم و تحلیل صحیح یک موضوع علمی درگرو فهم صحیح واژگان و مفاهیم بکار رفته پیرامون آن است، از این‌رو، پیش از ورود به مباحث اصلی مقاله، ضروری است مفاهیم اصلی مورد تبیین قرار بگیرد.

الف) مبانی



اهل لغت مبانی را جمع مبنی به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه دانسته‌اند. (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۲۵ - ۲۶) آنان این واژگان را با کلمات همچون اصل، قاعده، ضابطه مترادف شمرده‌اند. به نظر می‌رسد کلمه مبانی به تدریج در استعمال محققان علوم به حوزه پیش‌فرض‌های کلان و اصول موضوعه کلامی و فلسفی علوم و حتی بر دلایل اثبات یک نظریه اطلاق شده است؛ نمونه آن اطلاق مبانی بر علومى همچون تفسیر، فقه، حقوق، جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیای سیاسی یا استعمال واژه مبنا در نظریه نسبیت انیشتین یا نظریه تکامل داروین است که شامل دلائل، مفاهیم اساسی و اصول کلی آن دانش و گاه با توسعه‌ای شامل اصول موضوعه کلامی و فلسفه‌های آنها می‌گردد؛ مثلاً مبانی فلسفی، کلامی، فقهی و یا مبانی اخلاقی.

بنابراین؛ مقصود از مبانی در این تحقیق عبارت است از باورهای بنیادی که در قالب مجموعه‌ای از قضایا و اصول موضوعه، مسائل نظام سیاسی بر آنها بنا نهاده شده است. به بیان دیگر هر نظام سیاسی دارای منابعی است که از دل آن منابع، مبانی استخراج می‌شود و تمام مسائل آن بر اساس این مبانی تحقق می‌یابد.

از این روی در ادامه سعی می‌شود از منابع نظام اسلام همانند قرآن و سنت، مبانی ساختار نظام سیاسی استخراج شود.

ب) ساختار

واژه ساختار از نظر لغوی؛ از ریشه لاتین *structura* و فعل *struere* به معنای بنا کردن و ساختن آمده است (گلوکسمن، میریام، ۱۹۷۹: ۱) این واژه از قرن پانزدهم به زبان انگلیسی وارد شده و به چگونگی ساختمان یک چیز و ترکیب اجزا و بخش‌های یک جسم (معین، ۱۳۸۸: ۱۷۸۵-۱۷۸۶). و شیوه چینش اجزای مختلف در کنار هم به صورت منظم



و سازمان یافته بر اساس یک طرح دقیق اطلاق می‌شود و معادل واژه‌های قالب، فرم، ساختمان و بنیاد است. البته تا قبل از قرن هفدهم منحصرأ در معماری به کار می‌رفت؛ امام پس از آن وارد علم کالبدشناسی و سپس در علم دستور زبان (ترکیب کلمات دارای ساخت) نیز استعمال شده است و در قرن نوزدهم هربرت اسپنسر این واژه را از زیست‌شناسی وارد علوم انسانی کرد. (توسلی، ۱۳۷۰: ۱۲۴ - ۱۲۵)

ساختار در معنای اصطلاحی نیز در علوم و رشته‌های مختلف در علوم انسانی کاربرد زیادی دارد و متناسب با هر علمی از معنای خاصی برخوردار است. به گونه‌ای که جامعه شناسان کلاسیک ایده ساخت اجتماعی را در این چارچوب نظری مطرح کرده‌اند. (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۲). از این رو واژه ساختار همواره همراه واژگانی همانند: الگو، نظام، مجموعه، نهاد و سازمان به کار می‌رود.

در جامعه‌شناسی؛ ساختار به معنای نحوه چینش قدرت، کیفیت اعمال آن بر جامعه به کار می‌رود. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، معیارهای تقسیم‌بندی رژیم‌های سیاسی به رابطه میان دولت و جامعه نظر دارد و از این لحاظ دو معیار برای سنجش حکومت‌ها ارائه می‌دهد؛ یکی نحوه میزان اعمال قدرت حکومتی که ساختار قدرت سیاسی را تشکیل می‌دهد و دیگری میزان اعمال قدرت یا تلاش برای ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی. (بشیری، ۱۳۷۷: ۲۹۸)

با این بیان ساختار در علوم سیاسی بیانگر کیفیت و تنظیم نظام‌مند نهادها، مقامات عالی حکومت برای اداره عناصر کلان دولت، به معنای عام آن، که شامل جمعیت، سرزمین حاکمیت می‌شود.

به بیان دیگر ساختار سیاسی به مجموعه نهادها و مراکزی که قدرت سیاسی را در دست دارند و یک کلیت واحد را به وجود می‌آورند، اطلاق شده و این کلیت متأثر از تمامی



خصلت‌ها و ویژگی‌هایی است که به جامعه مربوطه، هویت می‌بخشند.

البته ساختارها یکسان نیست، به طور کلی می‌توان دو نوع ساختار عمده را از هم تفکیک کرد: یکی ساختار ساده و غیرتخصصی که در جوامع سنتی دیده می‌شود که کار ویژه‌ها و ارگان‌ها از هم تفکیک نشده‌اند و دیگری ساختار پیچیده، متنوع، متمایز، تخصصی و نهادینه است که در جوامع مجهز به فرهنگ سیاسی مشارکتی شکل می‌گیرد. «قدرت سیاسی و شیوه استقرار نهادها و سازمان‌های موجود در جامعه و زیر مجموعه‌های نظام سیاسی؛ عناصری هستند که می‌توانند ماهیت و نوع ساختار سیاسی را آشکار سازند. (نقیب‌زاده، سمت ۱۳۸۷: ۱۶۵ - ۱۶۹).

تحلیل مبانی الگو ساختار نظام سیاسی

۱- مبانی معرفت‌شناسی

همان‌گونه که در مفهوم‌شناسی بیان شد، مبانی راهبردی نظام سیاسی، بر جهان بینی و شناخت انسان مبتنی است. به عبارت دیگر اگر شناخت جهان و انسان بر مبانی محکم و متقنی نباشد در ترسیم مبانی دچار اشتباه خواهیم شد. در ترسیم درست مبانی، شناخت منابع بسیار مهم است. مهم‌ترین منابع استخراج مبانی، منابع دینی یعنی قرآن و سنت است. بسیاری از مکاتب به دلیل عدم تبیین صحیح منابع، در دستیابی به مبانی به مشکل برخورد کرده و دچار اختلاف و سلیقه و تضادهای سیاسی شده‌اند. برخی از این مکاتب به دلیل اینکه، می‌خواهند از طریق حواس و عقل بشری به حقایق باطنی دست یابند، به نتایج غلطی رسیده‌اند. و برخی دیگر در اصل امکان شناخت تردید کرده‌اند (شکاکیان). (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

قران کریم در آیات متعددی انسان‌ها را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند. برای نمونه: «كَذَلِكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره / ۲۱۹ - ۲۶۶)؛ خداوند بدین روشنی آیات



خود را برای شما بیان کند، باشد که تفکر نموده و عقل خود به کار بندید. «فَلَا تَعْقِلُونَ» (مومنون / ۸۰)؛ آیا شما عقل خود را کار نمی‌بندید. یا آیه «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ» (روم / ۸)؛ آیا در پیش نفوس خود تفکر نکردند (تا بدین حکمت پی‌برند).

بنابراین بر اساس آیات قرآن؛ تنها را دستیابی به منابع شناخت، آموزه‌های وحیانی است. ویژگی مهم وحی نسبت به سایر منابع مثل حواس، عقل و وجدان این است که، امکان خطا و اشتباه در آن راه ندارد. کما اینکه می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره / ۲)؛ این کتاب که هیچ شک در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.

در قرآن کریم حدود ۷۳۰ آیه مربوط به مسئله شناخت، ابعاد، انگیزه‌ها و نتایج آن آمده است که اهمیت و ضرورت شناخت را بیان می‌کند.

چنانکه می‌فرماید:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ» (رعد / ۱۶)؛ آن گاه بگو: آیا چشم

نابینا (ی جاهل) و دیده بینا (ی عالم) یکسان است؟ یا ظلمات (شرک و بت‌پرستی) با نور (معرفت و خداپرستی) مساوی است؟

و در سوره انعام آیه ۱۲۲ نیز همین مضمون را بیان می‌کند و داشتن معرفت و آگاهی را نوری در ظلمات و تاریکی معرفی می‌کند.

با توجه به آیات قرآن که نمونه آن بیان شد، قرآن جامعه‌ای را مطلوب حیات انسانی می‌داند، که افراد آن از بالاترین میزان شعور، درک و شناخت حقیقی برخوردار باشند. اساس حرکت انسان با ایمان و جامعه توحیدی بر پایه شناخت و آگاهی استوار است و هر چه این معرفت عمیق‌تر باشد، رسیدن به کمال مطلوب الهی آسان‌تر خواهد بود. و رسیدن به کمال مطلوب در گرو تشخیص و ترسیم مبانی نظام سیاسی است.



۲- مبانی هستی‌شناسی

هستی‌شناسی از دیدگاه نظام‌های فکری دینی و مادی مفاهیم متفاوتی دارد. نظام‌های دینی به واسطه مبانی دینی خود، اعتقادات، نگرش و فرهنگ ویژه آموزشی خاصی دارند و در جهت رسیدن به اهداف دین هدایت می‌کنند و کاملاً از جهان بینی، عقاید و افکار جوامعی که بنیان باورهایشان بر اساس مادیت شکل گرفته است، متمایز است.

هستی‌شناسی عبارت است از «برداشت و شناختی که هر فرد نسبت به جهان هستی، انسان و واقعیت‌های آن دارد.» (کبیر، ۱۳۷۸: ۳۱)

قرآن کریم از یک طرف خلقت همه هستی را از جانب خداوند می‌داند و حرکت کل هستی را به سوی او بیان می‌کند چنانچه می‌فرماید:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۶۵)؛ ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد.

و از طرف دیگر تمام هستی را نیازمند پروردگار متعال معرفی می‌کند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/۱۵)؛ ای مردم! شما به خدا نیازمندید، و فقط خدا توانگر [و] ستوده است.

بر اساس آموزه‌های قرآنی جهان هستی بر محور توحید حرکت می‌کند. جهان‌شناسی توحیدی به گونه‌ای است که در آن هم تعهد و هم مسئولیت افراد در برابر یکدیگر معنا پیدا می‌کند و به دلیل اینکه نظام هستی تحت قدرت خداوند است بر نظام احسن حرکت می‌کند و از این رو در آن، هیچ‌گونه انحراف و انحطاطی وجود ندارد.

۲-۱- ویژگی‌های هستی‌شناسانه نظام توحیدی

نظام توحیدی دارای ویژگی‌هایی است که عبارتند از:



۲-۱-۱- شعور باطنی جهان هستی

برخلاف تصور مادی گرایان که معتقدند جهان ماده شعور ندارد. قرآن کریم تمام آفریدگان را دارای بینش و شعور باطنی می‌داند.

«يَسْبِغُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (جمعه/۱)؛ هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدا که پادشاهی منزّه و پاک و مقتدر و حکیم است مشغولند.

بر اساس این آیه شریفه حمد و تسبیح از موجودات فاقد شعور صادر نمی‌شود. پس نتیجه‌اش این است که همه موجودات حتی جامدات دارای فهم و شعور هستند.

۲-۱-۲- وحدت جهان هستی

از دیگر ویژگی‌های هستی‌شناسی توحیدی قرآن، اعتقاد به وحدت در نظام هستی است. قرآن می‌فرماید:

«لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (انبیاء/۲۲)؛ اگر در آسمان و زمین غیر از خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می‌یافت، پس (از نظم ثابت عالم) بدانید که پادشاه ملک وجود خدای یکتاست و از توصیف و اوهام مشرکان پاک و منزّه است.

آیه شریفه مشتمل بر یک جمله شرطیه است که بر اساس آن، اگر در حرکت و هدف کل جهان، با همه بزرگی و متکثر بودنش، وحدت وجود نداشته باشد سراسر آن تضاد و تداخل بود.

مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد:

«ما آثار عنایت و حکمت او را در همه موجودات می‌بینیم و در سراسر جهان یک اراده



واحد، مشیت واحد و نظم واحد مشاهده می‌کنیم و این خود نشان می‌دهد که جهان «یک کانونی» نه «در کانونی» و نه «چند کانونی» می‌باشد». (مطهری، ۱۳۷۲: ۹۴/۲)

۲-۱-۳- هدف‌دار بودن خلقت

بی‌شک آفرینش هستی با اراده خداوند حکیم کاری هدفمند بوده است و گرنه بیهوده می‌شد و کار بیهوده و عبث از حکیم دانا محال است. قرآن کریم می‌فرماید:

«قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵)؛ موسی پاسخ داد که خدای ما آن کسی است که همه موجودات عالم را نعمت و جود خاص خودش بخشیده و سپس (به راه کمالش) هدایت کرده است.

بر اساس این آیه کل جهان هستی با تمام موجوداتش دارای هدف است و آن رساندن عصاره هستی یعنی انسان، به کمال است.

۲-۱-۴- نیازمندی مطلق هستی

از ویژگی‌های دیگر هستی‌شناسی توحیدی این است که نظام هستی هم در خلقتش و هم در بقائش به خالق هستی نیازمند است قرآن می‌فرماید:

«بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (انعام/۱۰۱)؛ اوست پدید آورنده آسمانها و زمین، چگونه وی را فرزندی تواند بود در حالی که او را جفتی نیست؟! و او همه چیز را آفریده و به همه چیز داناست.

عبارت «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» در آیه اشاره به این است که خداوند خلقت اولیه جهان را بدون هیچ نمونه و الگویی، با تمام مخلوقات متعدد و متنوع و ماهیات گوناگون، خلق کرده است و حاکمیت الهی بر این جهان هستی استمرار دارد و هیچ قدرتی توانایی جلوگیری از قدرت الهی را ندارد. و همین مضمون در آیه ۱۱۶ سوره توبه نیز بیان شده



است و خداوند مالک زمین و آسمان است و حیات و ممات در دست اوست.

۲-۱-۵- قانونمندی جهان هستی

نظم حاکم بر نظام هستی، در آیات زیادی از قرآن کریم، آمده است برای مثال:

«سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا» (اسراء/۷۷)؛ ما آیین همه پیامبرانی

را که پیش از تو فرستادیم نیز همین (توحید و خداپرستی و هلاک کافران و نجات اهل

ایمان) قرار دادیم، و این طریقه ما را تغییرپذیر نخواهی یافت.

واژه سنت در آیه شریفه به معنای حاکمیت قانون بر جهان آفرینش است. (مطهری،

۱۳۷۲: ۷۳/۲)

از این روی با توجه به سنت الهی می توان از آیه برداشت کرد که اولاً: هستی دارای نظم

و قانون است ثانیاً: این نظم و قانون قطعی است و ثالثاً: هر حادثه و پدیده‌ای در طبیعت یا

در امور اجتماعی دارای علتی می باشد. به همین دلیل در آخر آیه می فرماید چنین سنتی

هرگز تغییر نخواهد یافت.

۲-۱-۶- حاکمیت مطلق خداوند

حاکمیت چه تشریحی و چه تکوینی در تمام جهان هستی فقط از آن خداوند متعال

است و اوست که مالک حقیقی جهان است. قرآن در این باره می فرماید:

«وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران/۱۸۹)؛ خداست مالک

آسمانها و زمین، و خدا بر هر چیز تواناست.

«در تئوری سیاسی اسلام حاکمیت، سیاست گذاری و مدیریت جامعه در همه ابعاد و

بخش هایش باید بر اراده تشریحی الهی منتهی شود». (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۱۰)

اراده تشریحی همان قانونمندی در نظام هستی و جامعه توحیدی است و این تفکر،



تمایز بین حکومت‌های الهی و غیر الهی است.

از آنچه که در مورد مبانی هستی‌شناسی و ویژگی‌های نظام توحیدی بیان شد می‌توان نتیجه گرفت، که یکی از مبانی ساختار نظام سیاسی قرآن توحید محوری است. از ویژگی‌های توحید محوری وحدت مبتنی بر شعور تمام مخلوقات که به واسطه نیاز مطلق به خداوند و در پی هدفی واحد؛ یعنی کمال الهی مبتنی بر سنت و قانونمندی حاکم بر جهان، تحت حاکمیت خداوند حرکت می‌کنند.

۳- مبانی انسان‌شناسی

ساختار نظام سیاسی متولی مدیریت جهان و انسان است. از این‌رو؛ شناخت انسان و جهان از مهم‌ترین زیر ساخت‌های ترسیم این ساختار در قرآن است. بی‌تردید؛ بشر با وجود همه پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های مختلف علمی داشته است، هنوز نتوانسته است تعریف جامعی از حقیقت انسان ارائه نماید. بنابراین اگر بشر بخواهد به حقیقت وجودی خود پی ببرد، ناگزیر باید به آموزه‌های قرآن و وحی الهی مراجعه نماید. قرآن کریم از زوایای مختلفی به معرفی انسان پرداخته است. برخی آیات به کیفیت آفرینش (مانده/۱۱۰)، برخی به مراحل رشد و نمو او در جنین (مومنون/۵، ۱۲ و ۱۴) و برخی دیگر به ابعاد وجودی انسان، نیازهای مادی و معنوی او می‌پردازد (فاطر/۱۵) برای شناخت حقیقت انسان در ابتدا لازم است جایگاه و ویژگی‌های انسان در قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱- جایگاه انسان در قرآن

برخلاف نگاه اومانیستی، قرآن کریم با نگاهی متعالی کرامات و شرافت انسانی را به خوبی در آیات متعددی به شرح زیر ترسیم می‌کند.



۳-۱-۱- برتری انسان بر تمام موجودات

مکتبی می‌تواند برای انسان اصالت قایل شود که او را ترکیبی از تن و روان، از ماده و معنی، از فنا و بقا بداند قرآن درباره انسان می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰)؛ ما انسان را گرامی داشتیم و او را بر خشکی و دریا مسلط ساختیم و از روزی‌های پاکیزه نصیبشان ساختیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم.

۳-۱-۲- انسان خلیفه خدا در روی زمین

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ». (بقره/۳۰)؛ به یاد آر هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: می‌خواهم در زمین خلیفه‌ای قرار دهم آنان گفتند: آیا کسی را در زمین جانشین قرار می‌دهی که فساد و خون‌ریزی کند ما تو را از طریق حمد و ثنا، تسبیح می‌گوییم، خدا گفت: من چیزی را می‌دانم که شماها نمی‌دانید.

مقصود از خلافت از جانب خدا این است که او باوجود خود، وجود خدا، و با صفات و کمالات خود، صفات و کمالات خدا، و با فعل و کار خود، افعال خدا را ترسیم کند و آینه خداوند گردد.

۳-۱-۳- انسان مسجود ملائکه

خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد که بر آدم سجده کنند و از او تکریم و تعظیم خاصی به عمل آورند چنان که می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ». (بقره/۳۴)؛ آنگاه به فرشتگان فرمان دادیم که بر آدم سجده کنند همگان سجده کردند جز شیطان که از کافران گردید.

یک چنین فرمانی بی جهت و بی ملاک صادر نشده است و اگر آدم گل سر سبد خلقت نبود، هرگز مورد تکریم و تعظیم ملئک قرار نمی‌گرفت. چیزی که موجب چنین فرمانی شده است، همان آگاهی آدم از رموز و اسرار جهان آفرینش است، که فرشتگان را توان تحمل آن نبود و به خاطر همین آگاهی بود که او خلیفه خدا در روی زمین گشت خلیفه‌ای که با دانش و توان خود، توانست مظهر صفات خدا و مجرای علم و قدرت او گردد. همچنین آدم چه گوهر ارزنده و گران‌بهایی است که ملائکه خداوند که پیوسته فرمان‌بر خدا می‌باشند و آنی از فرمان او سر نمی‌پیچند، پیشانی خضوع بر آستان او گذارده و او را تعظیم و تکریم می‌کردند.

۳-۱-۴- تسخیر جهان برای انسان

برپایه گزاره‌های وحیانی قرآن کریم خداوند متعال هستی را مسخر انسان نموده و به او دستور داده است که مدیریت و هدایت کلان نظام خلقت را برعهده بگیرد و از آن بهره برداری نماید. در این باره می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»

(لقمان / ۲۰)؛ آیا نمی‌بینید که خداوند آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است به نفع شما تسخیر کرده و نعمت‌های برونی و درونی خود را در حق شما تکمیل نموده است. و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِّنْهُ». (جاثیه / ۱۲)؛ برای شما آنچه در آسمان و زمین است تسخیر کرده است و همگی از او است.

قرآن در آیات متعددی از تسخیر خورشید و ماه، روز و شب، چشمه‌ها و دریاها سخن گفته و یادآور شده است که به خاطر مقام و موقعیتی که انسان دارد این موجودات بزرگ به سود بشر تسخیر تا همگی از آنها بهره می‌گیرند چنان که می‌فرماید:



«وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ». (ابراهیم/ ۳۳)؛ خورشید و ماه که پیوسته انجام وظیفه می‌کنند و شب و روز را برای انتفاع انسان تسخیر نمود. در این جا تسخیر کننده خدا، جهان طبیعت تسخیر شده و بشر بهره گیر، از این تسخیر می‌باشد.

بنابراین، موضع قرآن کریم نسبت به کسانی که امیال طبیعی و خواسته‌های نفسانی خود را ترجیح می‌دهند، این است که پیروی از چنین امیالی را به طور کلی مردود می‌داند و افرادی را که به تبعیت از امیال حیوانی تن داده‌اند، افرادی گرفتار پرستش هوا و هوس دانسته است و می‌فرماید:

«أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (جاثیه/ ۲۳)؛ پس آیا کسی که معبودش را هوای نفسش قرار داده دیدی؟ و خدا او را از روی علم و آگاهی خود [بر اینکه شایسته هدایت نیست] گمراه کرد، و بر گوش و دلش مُهر [تیره بختی] نهاد، و بر چشم [دلش] پرده‌ای قرار داده است، پس چه کسی است که بعد از خدا او را هدایت کند؟ آیا متذکر [حقایق] نمی‌شوید؟ همچنین راجع به بهره برداری انسان از هستی می‌فرماید: «فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهَا» (ملک/ ۱۵)؛ پس در اطراف آن راه بروید و از روزی‌اش بخورید.

روشن است که انسان خواسته‌های دیگری هم دارد از قبیل: عدالت‌طلبی، کمال‌جویی، حقیقت‌طلبی، عبودیت، که امیال حیوانی نیستند. اینها نیازهای هستند که کمتر از خواسته‌های جسمی نیستند، بلکه می‌توان گفت که ارزش آنها چندین برابر بالاتر از امیال حیوانی و جسمی می‌باشند.

بنابراین نادیده گرفتن این گرایش‌ها، معلول تفریط در شناخت انسان می‌باشد. چون انسان را محصور در طبیعت و امیال طبیعی قرار داده است که باعث شده است که انسان



فقط جسم تلقی شود و از من واقعی‌اش (روح) تهی باشد. (حلبی، ۱۳۷۱: ۱۱۹)

۳-۲- ویژگی‌های انسان در قرآن

قرآن کریم در آیات متعدد ویژگی‌های انسان را بیان کرده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۳-۲-۱- اجتماعی بودن انسان

آیاتی در قرآن به بعد اجتماعی به عنوان یکی از ویژگی‌های ترسیم شده در قرآن اشاره می‌کند به طور نمونه می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.» (حجرات/۱۳)؛ ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است. با توجه به مفردات آیه همانند: شعوب، زن و مرد و تقوا که دلالت بر این دارند که انسان‌ها در جامعه هرکدام ویژگی‌های خاصی دارند و زن و مرد بودن و رنگ‌های متفاوت مایه برتری نیست؛ بلکه ملاک تقوای الهی است؛ به عبارت دیگر آیه مشتمل بر سه اصل مهم است: اصل مساوات در آفرینش زن و مرد، اصل تفاوت در خصوصیات بشری و اصل اینکه تقوا ملاک برتری است.

قرآن کریم به هر دو بعد انسان توجه کرده است. از یک طرف به عبادت فردی و تزکیه نفس توجه کرده کما اینکه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده/ ۱۰۵)؛ ای اهل ایمان، شما (ایمان) خود را محکم نگاه



دارید، که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زبانی از آنها به شما نرسد. بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می‌سازد.

و از طرف دیگر در ارتباط با جامعه، بر انتخاب‌گری تأکید می‌کنند؛ همانطور که در این فرموده است «الْم تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (نساء/۹۷)؛ آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن هجرت کنید؟!

در این آیه به مستضعفانی اشاره می‌شود که بر اثر ظلم زندگی مناسبی ندارند و خداوند به آنها حق انتخاب می‌دهد و به مهاجرت دعوت می‌کند.

در آیه دیگر قرآن می‌فرماید:

«وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/۲۵)؛ و

بترسید از بلایی که چون آید تنها مخصوص ستمکاران شما نباشد (بلکه ظالمان و مظلومان همه را فرا گیرد) و بدانید که عقاب خدا بسیار سخت است.

کلمه «فتنه» در این آیه، به معنای بلاها و مصائب اجتماعی است که دامن همه را می‌گیرد، و مفهوم آن این است که افراد جامعه نه تنها موظفند وظایف خود را انجام دهند؛ بلکه موظفند دیگران را هم به انجام وظیفه خود وادار کنند؛ زیرا اختلاف و پراکندگی و ناهماهنگی در مسائل اجتماعی موجب شکست برنامه‌ها خواهد شد و ضرر آن متوجه همه می‌شود. در پایان آیه با زبان تهدیدآمیز می‌گوید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ بدانید خداوند مجازاتش شدید است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳۱/۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۱۱؛ طبرسی، ۱۳۹۵: ۱۳/۲).

از مجموع آیات قرآن این گونه استفاده می‌شود که قرآن کریم عوامل اجتماعی را بر زندگی فردی مؤثر دانسته و به پاکسازی محیط زیست آنها، از طریق امر به معروف و نهی از منکر، دعوت می‌کند.



۳-۲-۲- اراده داشتن انسان

در قرآن آیاتی وجود دارد که دلیل بر قدرت انتخابگری و اراده‌مندی انسان است همانند:

«يَذٰلِكَ اٰمَةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْئَلُوْنَ عَمَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ» (بقره/۱۳۴)؛

آنها گروهی بودند که درگذشتند، هر کار نیک و بد کردند برای خود کردند و شما هم هر چه کنید برای خویش خواهید کرد و شما مسئول کار آنها نخواهید بود.

این آیه مربوط به اشتباهات قوم بنی‌اسرائیل است که به نیاکان خود مباحات و افتخار می‌کردند و فکر می‌کردند به بخاطر کمالات گذشتگان خود مورد عفو قرار خواهند گرفت. ولی به آنها هشدار می‌دهد که هرکسی مسئول اعمال خودش است. همچنان که آنها هم مسئول کاره‌ای خویش بودند (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱/۲۰۹).

در کتاب غررالحکم از حضرت علی علیه السلام آمده است:

«السَّرْفُ بِالْهَيْمِ الْعَالِيَةِ لَا بِالرِّمِّ الْبَالِيَةِ» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۴۴۸ / ۱۰۲۷۳)؛ شرافت و بزرگی به

همت‌های عالی و بلند است، نه به استخوان‌های پوسیده نیاکان و گذشتگان.

نمونه‌های این بحث را در تاریخ هم می‌توان مشاهده کرد که افراد، بواسطه عمل خود، آینده خود را می‌سازند. همانند زن فرعون که بهشتی می‌شود؛ اما همسر لوط به خاطر عمل بدش، به جهنم می‌رود.

۳-۲-۳- فقر مطلق انسان

قرآن کریم در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/۱۵)؛

ای مردم، شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است. و آیه «اللَّهُ الصَّمَدُ» (اخلاص/۲)؛ آن خدایی که (از همه عالم) بی‌نیاز (و



همه عالم به او نیازمند) است.

خداوند این آیات؛ نیازمندی مطلق انسان و بی‌نیازی مطلق خودش را بیان می‌کند. در آیه اول انسان را که اشرف مخلوقات است نیازمند معرفی می‌کند که این نیازمندی جزء ماهیت جدایی‌ناپذیر او قرار داده است و از طرفی بر اساس آیه دوم ذات مقدس خود را بی‌نیاز مطلق نسبت به تمام عالم معرفی کرده است.

بنابراین در جهان بینی توحیدی همه آحاد جامعه بزرگ و کوچک، غنی و فقیر و عالم و جاهل محتاج لطف الهی هستند و خداوند این لطف را از طریق مکانیسم رهبری و هدایت، به عنوان یک سنت، اعمال می‌کند.

۳-۲-۴- رهبری و هدایت

قرآن کریم در آیات متعددی به دلیل نیاز انسان به هادی از باب لطف مسئله ضرورت ارسال پیامبران را برای هدایت و نجات انسان‌ها از تاریکی بیان کرده است. از جمله:
«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم/۵)؛ و ما موسی را با آیات خود (با تورات و معجزات، بر فرعونیان) فرستادیم که قومت را از ظلمات (جهل و گمراهی) بیرون آور و به عالم نور رسان و روزهای خدا را به یاد آنها آور، که در این یادآوری بر هر شخصی که صبور و شکرگزار است دلایل روشنی نهفته است.

در این آیه مأموریت حضرت موسی این است که قومش را از جهل و گمراهی خارج کرده و به نور و سعادت هدایت کند و ایام الله را به آنها متذکر شود. از آموزه‌های قرآن این گونه استفاده می‌شود که بشر با وجود استعداد یادگیری، قوه ادراک و پیشرفت‌های علمی، نیاز او به هدایت و رهبری برای رسیدن به کمال و سعادت حقیقی، هرگز بر طرف نشده



است.

بنابراین؛ فلسفه وجودی ارسال هادی برای رهبری جامعه انسانی، نیاز او به عنایت و لطف مستمر الهی است؛ تا بشریت در سایه این مدیریت و رهبری، تکامل پیدا کرده و شایسته خلیفه الهی گردند.

همین مضمون در حدیثی نیز آمده است.

«قال رسول الله وَلَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَيَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أُمَّتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۱۲)؛ خدا رسول و پیامبرش را برانگیخته نکرد جز آنکه عقل او را کامل کند بگو عقل او برتر از عقل همه امتش می باشد.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص ۲۶)؛ (و او را گفتیم که)

ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن. با توجه مفاد آیه فوق و مجموعه تفاسیر آن، چند مطلب در مورد رهبری و هدایت استنباط می شود:

اولاً: تدبیر و مدیریت امور مردم حق خداوند است ثانیاً: به واسطه اصل اسباب، خداوند مدیریت امور مردم را به انبیا و گذار کرده است. و ثالثاً: حکومت بر مردم نعمت بزرگی است که شکر آن اجرای عدالت اجماعی است. (کاشانی، ۱۴۲۳: ۶ / ۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷:

۱۷ / ۲۹۶).



نتیجه

با بررسی آیات و آموزه‌های قرآنی روشن شد که ساختار نظام سیاسی بر مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسانی‌شناسی مبتنی است.

همان‌گونه که قبلاً بیان شد مبانی هر نظام سیاسی بر جهان بینی و شناخت انسان مبتنی است و با توجه به دعوت قرآن کریم به تفکر و تعقل، جامعه‌ای را مطلوب می‌داند که افراد آن از بالاترین شعور برخوردار بوده و بر اساس ایمان به توحید به سمت ایجاد جامعه توحیدی حرکت کنند. و این نگاه توحیدی نیز در کل نظام هستی جاری است. بنابراین، هستی‌شناسی نظام سیاسی قرآنی بر این تفکر استوار است که خلقت همه هستی از جانب خداوند متعال است و بازگشت همه هستی نیز به سوی اوست. به عبارت دیگر وحدت و شعور باطنی جهان هستی، هدفمند بودن خلقت، قانونمندی نظام هستی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان، از مبانی هستی‌شناسی قرآنی الگوی ساختار نظام سیاسی است.

از این‌رو، ساختار نظام سیاسی با توجه به مبانی معرفتی و هستی‌شناسانه آن برای مدیریت جهان و انسان آمده است. انسانی که از ویژگی‌هایی همچون: اجتماعی بودن، دارای اختیار و اراده، فقر مطلق در مقابل غنای مطلق خداوندی برخوردار بوده و برای رسیدن به کمال مطلوب، نیازمند به هدایت و رهبری است. و کمال مطلوب ساختار نظامی سیاسی قرآن «قرب الهی و لقاء الله» است. کما اینکه کمال مطلوب نظام لیبرالیسم «آزادی» و نظام مارکسیسم «عدالت و جامعه بی طبقه» است.



منابع

- قرآن کریم
 - نهج البلاغه
- (۱) بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، تهران: نی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ ش
 - (۲) بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی اصول قواعد و فواید، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
 - (۳) بیات، عبدالرسول و دیگران، فرهنگ واژه‌ها (درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر)، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
 - (۴) تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
 - (۵) توسلی، غلام، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت، ۱۳۷۰ ش.
 - (۶) حلبی، علی اصغر، انسان در اسلام و مکاتب غربی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱ ش.
 - (۷) زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، مصحح، حسین احمد، مصطفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
 - (۸) سبحانی، جعفر، منشور جاوید، چاپ سوم، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
 - (۹) طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
 - (۱۰) طبرسی، فضل ابن حسن، جوامع الجامع، قم، جامعه مدرسین، چاپ هشتم، ۱۳۹۵ ش.
 - (۱۱) قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
 - (۱۲) کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، زبده التفاسیر، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق.
 - (۱۳) کبیر، یحیی، جهان بینی و معارف تطبیقی، قم دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
 - (۱۴) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب



الاسلامیه، ۱۳۶۵.

- ۱۵) لویز، خوزه و اسکات جان، ساخت اجتماعی، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نی، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۶) مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۷) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۸) معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۸۸ ش.
- ۱۹) مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۰) نقیب زاده، احمد، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سمت ۱۳۸۷ ش.
- ۲۱) گلوکسمن، میریام، تجزیه و تحلیل ساختارگرایی در اندیشه اجتماعی معاصر، بستون و هنلی، ۱۹۷۹ م.

۲۲) Glucksmann, Miriam, Structuralist analysis in contemporary social thought , Boston, and Henley, ۱۹۷۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Pedagogical Role of Belief in Resurrection in the Strength of the Family System from the Perspective of the Quran

Seyyed Esa Mostarhami* & Abd al-Reza Soleimani Babadi*

Abstract

Belief in post-death auditing is one of the beliefs that have a great impact on the human lifestyle. Belief in the resurrection changes human's view of life in this world and makes it a tool to achieve the highest human goals and to achieve eternal and blissful life. This belief also has clear effects in the field of family life, which plays a role in its formation, durability, and elimination defects. The present article, by referring to the Holy Quran and the sayings of the commentators and using descriptive and analytical methods, has discussed the role of believing in the resurrection in strengthening the sacred system of the family. Findings indicate that a person who believes in divine auditing and punishment, considers the divine criteria in choosing his/her spouse and by ruling love and mercy in the family space, eliminates harms such as negligence, resentment, slander, and betrayal, which defect the family life. On the other hand, he/she believed that the last day would be great assistance in solving problems and enduring shortcomings in family life. The revelatory statements of the Quran also emphasize the role of resurrection on sincerity, as well as the responsibility of family members and attention to the needs of other members, which also play a crucial role in the strength of the family institution.

Keywords: Holy Quran, Belief in Resurrection, Pedagogical Role, Strength of Family System.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*. Director of the Quran and Science Department and Assistant Professor at Al-Mustafa International University, Qom, Iran, dr.mostarhami@chmail.ir

*. Level † at Qom Seminary, (Corresponding Author); asoleimani۱۷۸۰@gmail.com